



فهرست مطالب

۲	 اقباض و تخلیه مراد از رد به مقتضای موارد
۲	 قسم دهم: مجهول المالك بودن جایزه
۲	 بررسی لزوم یا عدم لزوم فحص در قسم دهم
۳	 اقوال در مسئله
۳	 قول اول: عدم وجوب فحص
۳	 قول دوم: وجوب فحص از مالک
۳	 دلیل قول اول: اطلاق روایات دال بر وجوب تصدق
۴	 ادله قول دوم
۴	 دلیل اول: الغاء خصوصیت از روایات باب لقطه
۴	 نقد دلیل: عدم علم به اتحاد ملاک
۴	 دلیل دوم: تسری روایات دال بر عدم لزوم فحص در مالک متعذر الوصول
۵	 نقد دلیل: عدم دلیل بر تسری روایات به محل بحث
۵	 دلیل سوم: اطلاق روایت حفص بن غیاث
۵	 نقد دلیل: ضعف روایت
۵	 دلیل چهارم: انصراف روایات به لزوم تصدق بعد از فحص
۵	 نقد دلیل: احتمال وجود ملاک مزاحم برای ارتکاز در محل بحث
۶	 دلیل پنجم: لزوم فحص نتیجه حل تعارض بین برخی ادله



بسم الله الرحمن الرحيم

اقباض و تخلیه مراد از رد به مقتضای موارد

بحث در فروع و مسائلی در ذیل قسم نهم از صورت سوم اخذ جایزه از سلطان جور می‌باشد. قسم نهم این است که آخذ بعد از اخذ، علم تفصیلی به حرمت و غصبی بودن مال پیدا کند. یکی از مباحثی که در ذیل این قسم مطرح می‌باشد این است که آیا رد، به اقباض به مالک می‌باشد و یا اینکه رد جایزه به تخلیه می‌باشد یعنی جایزه را آزاد بگذارد تا مالک هر وقت خواست آن را بردارد؟ در پاسخ به این سؤال باید گفت که تفصیل در این بحث صحیح می‌باشد و عرفاً رد و بازگرداندن به مالک، گاهی به اقباض جایزه به مالک می‌باشد و گاهی نیز مصداق عرفی رد، تخلیه می‌باشد.

قسم دهم: مجهول‌المالک بودن جایزه

در همه نه قسمی که تاکنون بررسی شد، فرض بر معلوم بودن مالک جایزه بود اما فرض در قسم دهم این است که هرچند به حرمت و غصبی بودن مال، علم تفصیلی وجود دارد اما مالک و صاحب جایزه مجهول می‌باشد که این قسم به سبب مجهول بودن صاحب آن دارای احکام و فروع ویژه‌ای می‌باشد.

بررسی لزوم یا عدم لزوم فحص در قسم دهم

اولین بحثی که در ذیل قسم دهم مطرح می‌باشد و باید به آن پرداخت این است آیا در این قسم فحص از مالک لازم است یا اینکه لازم نیست؟ مال مجهول‌المالک بر دو قسم است گاهی به نحو لقطه و التقاط می‌باشد یعنی اینکه آن مال مجهول‌المالک، مالی است که در خیابان یا مکان دیگری پیدا شده است و گاهی هم آن مال، مال مجهول‌المالکی است که به نحو لقطه نیست بلکه مثلاً به شخصی هدیه داده شده است اما این گونه نیست که آن شخص آن را پیدا کرده باشد. آنچه در همه این دو قسم مسلم است این است که اگر مالک مشخص نشود آن مال را باید از طرف صاحب آن صدقه داد. اما علاوه بر تصدق در مال لقطه، فحص از مالک هم لازم می‌باشد حال سؤالی که در اینجا مطرح



است این است که آیا در مال مجهول‌المالکی که به نحو لقطه نیست هم فحص واجب و لازم است یا خیر؟ پس ملاک بحث در اینجا فقط جایزه مجهول‌المالکی که از سلطان جایز اخذ می‌شود نیست، بلکه این بحث شامل هر مال مجهول‌المالکی که به نحو لقطه نباشد، می‌شود اما لقطه چون دارای ادله و احکام خاصه می‌باشد، در محل بحث داخل نمی‌باشد.

اقوال در مسئله

در این بحث دو قول وجود دارد.

قول اول: عدم وجوب فحص

نظریه اول در این مسئله که ظاهر کلام مرحوم شیخ می‌باشد، این است فحص از مالک واجب نیست و این گونه نیست که بعد از فحص و یأس از پیدا کردن مالک، صدقه داده شود بلکه می‌توان بدون هیچ گونه تفحصی آن مال را صدقه داد و این قسم و فرض با لقطه تفاوت دارد.

قول دوم: وجوب فحص از مالک

نظر دوم که نظر غالب متأخرین بعد از شیخ مثل مرحوم آقای خویی و مرحوم امام می‌باشد این است که فحص از مالک لازم است و بعد از یأس می‌توان آن مال را صدقه دارد ولی ابتدائاً و بدون فحص نمی‌توان آن را صدقه داد بلکه مانند مال لقطه باید بعد از فحص آن را صدقه داد.

دلیل قول اول: اطلاق روایات دال بر وجوب تصدق

دلیل قول اول اطلاق مجموعه روایاتی است که برخی از آنها در ابواب ما یکتسب به و برخی دیگر در باب لقطه آمده است که در تعلیقه کتاب مصباح الفقاهه و همچنین در مکاسب محرمة مرحوم امام خمینی به آنها اشاره شده است. در بین این روایات، روایاتی وجود دارد که به لحاظ سندی و دلالتی تام می‌باشند. این روایات به طور مطلق بر



و جوب تصدق مال مجهول المالك چه اينكه تفحص ممكن باشد و يا اينكه تفحص ممكن نباشد، دلالت مي كنند. البته اين روايت در مورد لقطه تخصيص خورده اند.

ادله قول دوم

آنچه مهم است بررسي ادله قول دوم و دلالت آن ها مي باشد كه در مقابل اطلاق روايات اقامه شده است. قول دوم اين بود كه ابتدا بايد فحص كرد و بعد از فحص و ياس از پيدا كردن مالك آن را صدقه داد.

دليل اول: الغاء خصوصيت از روايات باب لقطه

وجه و دليل اولي كه بر قول دوم اقامه شده است اين است كه از روايات باب لقطه، الغاء خصوصيت مي شود. طبق روايات باب لقطه تعريف مال و فحص از مالك مالي كه پيدا مي شود و مالك آن مجهول مي باشد، به مدت يك سال واجب مي باشد و در محل بحث هم هر چند جايزه اي كه علم به غصبی بودن آن داريم، پيدا نشده اند اما مانند مال لقطه مجهول المالك مي باشند و ملاك در باب لقطه هم مجهول المالك بودن آن مي باشد نه پيدا شدن آن و اين ملاك در محل بحث هم وجود دارد بنا بر اين در محل بحث هم فحص از مالك، واجب مي باشد.

نقد دليل: عدم علم به اتحاد ملاك

نقدي كه به دليل اول وارده شده است و آقاي خويي نيز آن را مطرح کرده اند اين است كه علم به اتحاد ملاك بين مال مجهول المالك و لقطه وجود ندارد چون اين احتمال وجود دارد كه در مال لقطه كه مالك مالش را گم کرده است مالك به دنبال يافتن مالش باشد لذا امر به فحص قبل از تصدق شده است اما در مال مجهول المالك به ويژه مالي كه از حاكم جابر به عنوان جايزه اخذ شده است چه بسا به خاطر مشكلات و عسر و حرجي كه در جستجو كردن مال وجود دارد، مالك در جستجوي مال خود نباشد لذا با توجه به وجود اين احتمال كه احتمال غير معقولي هم نيست، نمي توان علم به وحدت ملاك در مال مجهول المالك و مال لقطه پيدا كرد.

دليل دوم: تسري روايات دال بر عدم لزوم فحص در مالك متعذر الوصول



دلیل دومی که بر لزوم فحص از مالک اقامه شده است، روایاتی است که دال بر لزوم تفحص و جستجوی مالک و کسب اذن از او جهت تصرف در مال در موارد متعذر الوصول بودن مالک معین، می باشد. اقامه کنندگان این دلیل، این روایات را به محل بحث تسری داده اند و گفته اند در مواردی هم که مالک مجهول باشد نیز تفحص لازم است.

نقد دلیل: عدم دلیل بر تسری روایات به محل بحث

نقدی که به این استدلال شده است این است که این روایات با محل بحث ارتباطی ندارد و احتمال اینکه ملاک در محل بحث که مال مجهول المالک است با مورد روایات که مالک معین متعذر الوصول می باشد، یکی نباشد وجود دارد. پس نمی توان حکم در روایات را به محل بحث تسری داد.

دلیل سوم: اطلاق روایت حفص بن غیاث

دلیل سومی که بر لزوم فحص اقامه شده است، اطلاق روایت حفص بن غیاث در باب پنجاه هفت ابواب مایکتسب به می باشد که در این روایت در مواردی که علم به مالک وجود ندارد، امر به تفحص شده است.

نقد دلیل: ضعف روایت

اشکالی که به این روایت وارد شده است این است که روایت ضعیف می باشد.

دلیل چهارم: انصراف روایات به لزوم تصدق بعد از فحص

دلیل چهارمی که بر لزوم تصدق بعد از فحص اقامه شده است این است که با توجه به ارتکازات عقلی و عقلایی مبنی بر لزوم بازگرداندن اموال به مالکشان، روایاتی که به طور مطلق امر به تصدق کرده اند و مرحوم شیخ به آنها تمسک کرده اند و حکم به مطلق تصدق کرده اند، انصراف به جایی دارد که فحص متعارف از مالک صورت گرفته باشد و مالک پیدا نشده باشد.

نقد دلیل: احتمال وجود ملاک مزاحم برای ارتکاز در محل بحث

این دلیل نسبت به ادله قبلی، قوی تر می باشد و احتمال وجود انصراف به خاطر ارتکاز عقلی و عقلایی مبنی بر لزوم فحص وجود دارد اما ممکن است به این دلیل، این گونه اشکال شود که هرچند تفحص فی حد نفسه نیکوست اما در محل بحث احتمال وجود ملاک مزاحمی برای ارتکاز عقلی و عقلایی وجود دارد و آن عسر و حرج در نظامات



اجتماعی است لذا باوجود این احتمال در شمول ارتکاز عقلایی و عقلی نسبت به محل بحث تردید وجود دارد و چه بسا به خاطر وجود همین ملاک شارع حکم به تصدق بلا فحص کرده است.

دلیل پنجم: لزوم فحص نتیجه حل تعارض بین برخی ادله

دلیل پنجمی که بر لزوم فحص اقامه شده است و آقای خوئی آن را مطرح کرده اند این است که بین آیه «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا» نسا/ ۵۸ و روایاتی که امر به تصدق می کنند تعارض وجود دارد و نسبت بین آن دو، عموم و خصوص من وجه می باشد که نتیجه حل این تعارض، لزوم فحص در محل بحث می باشد.